

شهرک خان لنجان: مکان یابی، مؤلفه‌ها و جایگاه آن در رُستاق اَنجان اصفهان از قرون اولیه اسلامی تا قرن هفتم هجری قمری

ژاله کمالی‌زاد^۱، عباسعلی احمدی^{II}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NB.2021.23289.2270

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۴۰-۲۱۹

چکیده

خان لنجان به استناد مدارک تاریخی، از جمله سکونتگاه‌های کهن و پیرامونی جنوب شهر اصفهان محسوب می‌گشت که از قرون اولیه اسلامی تا قرن هفتم ه.ق، به عنوان یک شهرک اسلامی در مرکز «رُستاق اَنجان» یا ناحیه اَنجان کنونی مطرح بوده است. با وجود اعتبار شهرک خان لنجان، اغلب پژوهشگران مطالعات خود را بر قلعه کوهستانی آن متمرکز نموده و همچنان ابهامات و پرسش‌هایی در مورد موقعیت مکانی، ساختار اجتماعی-اقتصادی و همچنین عوامل مؤثر بر رکود این شهرک وجود دارد. این در حالی است که شناخت مؤلفه‌ها و ساختار این سکونتگاه به عنوان نمونه‌ای موردی از شهرک‌های پیرامونی که به وفور در ایران دوران اسلامی وجود داشته‌اند، می‌تواند به عنوان الگویی جهت مطالعه و تحلیل اینگونه از استقرارها مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد. در مقاله پیش‌رو روش پژوهش توصیفی-تحلیلی گزینش و کوشش می‌شود با بهره‌گیری از داده‌های حاصل از منابع مکتوب، بررسی باستان‌شناسی منطقه و سنجش از دور، موقعیت و گستره تقریبی این شهرک پیشنهاد شده و ساختار و تحولات آن از سده‌های نخستین اسلامی تا قرن هفتم هجری مورد مطالعه قرار گیرد. نتایج حاصل حاکی از آن است که برخلاف نظر محققان پیشین، شهرک خان لنجان در جنوب کوه قلعه‌بزی گسترده شده و قابل تطبیق با شهر فیروزان نمی‌باشد. وجود ظرفیت‌های زیست‌محیطی و موقعیت استراتژیک این ناحیه، هم‌چون دسترسی مستقیم به آب زاینده‌رود، قرار داشتن در مسیر راه‌های باستانی فارس و بختیاری و مجاورت با قلعه کوهستانی خان لنجان، در مجموع از سه منظر زراعی، تجاری و دفاعی در رشد و رونق آن تأثیر گذارده‌اند. این شهرک بر مبنای نظریه «شبکه شهری»، در طول حیات خود از نظر مناسبات سیاسی زیرمجموعه و تابع قصبه اصفهان محسوب می‌گشت اما در سطح ناحیه لنجان، از نقشی مرکزی برخوردار و در مدیریت سکونتگاه‌های خرد و کلان پیرامونی خود دخیل بوده است. از عوامل مهم افول تدریجی شهرک خان لنجان، می‌توان به تخریب قلعه کوهستانی آن و گزینش شهر فیروزان به مرکزیت ناحیه لنجان در دوره ایلخانی اشاره نمود.

کلیدواژگان: اصفهان، رستاق اَنجان، شهرک خان لنجان، زاینده‌رود، شبکه شهری.

مقدمه

مطالعه انواع سکونتگاه‌های اسلامی، از جمله موضوعاتی است که بسیاری از پژوهشگران به بررسی آن پرداخته و نظرات متفاوتی در این زمینه ارائه کرده‌اند. آنچه مسلم است، همه سکونتگاه‌ها تحت تأثیر عواملی یکسان و مشابه به وجود نیامده‌اند و در هر مورد مناسبات سیاسی، نظامی و اقتصادی به نسبت‌های مختلف در ایجاد، وسعت و میزان اعتبار آن‌ها دخیل بوده‌اند (گرابار، ۱۳۹۰: ۱۶)؛ با این حال در دوران اسلامی جهت سهولت مدیریت و انجام امور دیوانی، سلسله‌مراتبی برای سکونتگاه‌های انسانی در نظر گرفته می‌شد که با توجه به بازه زمانی مورد مطالعه در این پژوهش (قرون اولیه تا هفتم هجری قمری)، کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم «مقدسی» (قرن چهارم هجری قمری) از منابع معتبر در این زمینه محسوب می‌گردد. مقدسی با بیان معیارهایی کلی، سکونتگاه‌های جهان اسلام را در ۵ گروه طبقه‌بندی نموده و حیات هر یک را در پیوند با واحد دیگر دانسته است که عبارتند از: نخست، «مصر» یا مادرشهر؛ دوم، «قصبه» یا پایتخت ایالتی؛ سوم، «مدینه» یا شهر؛ چهارم، «ناحیه» یا مناطق روستایی؛ و در نهایت «ده» یا قریه (مقدسی، ۱۹۰۶: ۹).

سکونتگاه خان‌لنجان که موضوع مقاله حاضر است در دوران اسلامی، به عنوان یک «مدینه» یا «شهرک» در مرکز «ناحیه» یا رُستاق^۱ حاصلخیز آنجان مطرح و در طول حیات خود از سده‌های نخست اسلامی تا قرن هفتم هجری قمری از نظر سیاسی تابع «قصبه» اصفهان بوده است (ابن‌رسته، ۱۴۰۸: ۱۴۰؛ مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۸ و ۵۱). دسترسی مستقیم شهرک خان‌لنجان به منبع دائمی آب رودخانه زاینده‌رود و وجود قلعه‌ای کوهستانی با نام «خان‌لنجان» در مجاورت آن بر موقعیت استراتژیک این سکونتگاه می‌افزود؛ اما تاکنون پژوهش‌های جامع و هدفمندی در مورد شهرک خان‌لنجان و نقش و جایگاه آن در تحولات منطقه آنجان و در ارتباط با شهر اصفهان صورت نگرفته است و هم‌چنان ابهامات و مسائلی در مورد ویژگی‌ها، گستره فضایی و عوامل مؤثر بر افول آن وجود دارد. این درحالی است که شناخت ساختار و مؤلفه‌های شهرک خان‌لنجان به عنوان نمونه‌ای موردی از سکونتگاه‌های پیرامونی شهرهای بزرگ با زیربنای اقتصاد زراعی که در ایران دوران اسلامی نیز به وفور وجود داشته‌اند، می‌تواند به عنوان الگویی مناسب جهت مطالعه و تحلیل هرچه بهتر این گونه از سکونتگاه‌ها در سایر مناطق ایران مورد استفاده قرار گیرد و از این منظر دارای ارزش پژوهشی است. نویسندگان قصد دارند با استناد به داده‌های حاصل از مطالعات اسنادی و بررسی میدانی، به تأیید این مدعا بپردازند که ظرفیت‌های زیست‌محیطی و موقعیت مکانی مطلوب این شهرک سبب گزینش آن به عنوان مرکز نظامی، تجاری و فرهنگی رُستاق آنجان تا قبل از حملات مغولان گشته بود. هم‌چنین شهرک خان‌لنجان برخلاف نظر پژوهشگران پیشین، در جنوب کوه قلعه‌بزی واقع و در زمان حاکمیت ایلخانان، رشد و توسعه شهر فیروزان در شمال کوه قلعه‌بزی از عوامل رکود آن محسوب می‌گردد.

پرسش‌های پژوهش: ۱. [اه عواملی در رشد و رونق شهرک خان‌لنجان و سپس

رکود آن در قرن هفتم هجری قمری دخیل بودند؟ ۲. موقعیت مکانی و گستره تقریبی شهرک خان‌لنجان چه بود؟ ۳. شهرک خان‌لنجان در سطح خُرد و درمیان استقرارگاه‌های ناحیه لنجان و نیز در سطح کلان و در ارتباط با قصبه اصفهان از چه جایگاهی برخوردار بود؟

روش پژوهش: در پژوهش پیش‌رو، کوشش می‌شود با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های حاصل از مطالعه روشمند منابع مکتوب، بررسی باستان‌شناختی منطقه که با رویکرد منظر فرهنگی و در سال ۱۳۹۴ صورت‌گرفته و روش‌های سنجش از دور، سکونتگاه خان‌لنجان از سه منظر: موقعیت جغرافیایی، شرایط زمانی و اهمیت و اعتبار آن، مورد بحث و واکاوی قرار گیرد؛ چراکه در گذشته این سه متغیر به نحوی بر گزینش مکان ساخت، وسعت و ساختار یک استقرار تأثیر می‌گذارند. به منظور فهم و درک بهتر از جایگاه شهرک خان‌لنجان و تبیین روابط متقابل آن با استقرارگاه‌های پیرامونی و به‌ویژه «قصبه» اصفهان، از الگوی «شبکه شهری» که با شهرهای ایران دوران اسلامی انطباق بیشتری دارد، استفاده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

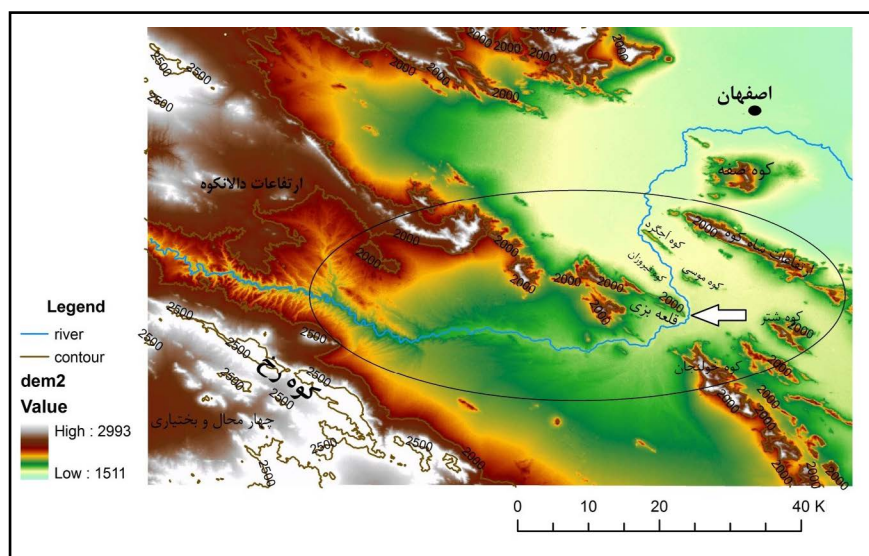
«لسترنج» با اتکا به متون تاریخی، شهرک خان‌لنجان را برای نخستین بار معرفی نمود و معتقد بود بدون شک با «فیروزان»، شهر برجسته دوره ایلخانی در شمال کوه‌های قلعه‌بزی مطابقت می‌کند (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۲۳). پس از وی، «میناسیان» در سال ۱۹۵۰م. قلعه کوهستانی خان‌لنجان را به عنوان یکی از قلاع اسماعیلیان، در فاصله حدود ۴۰ کیلومتری جنوب اصفهان و بر فراز سه رشته از ناهمواری‌های کوه قلعه‌بزی شناسایی کرد (میناسیان، ۱۳۸۷). «استرن» از نخستین پژوهشگرانی بود که کوشش می‌نمود در کنار مدارک تاریخی، با بهره‌گیری از داده‌های باستان‌شناختی به مطالعه شهرهای اسلامی بپردازد و با چنین دیدگاهی در سال ۱۹۶۵م. به بررسی باستان‌شناختی قلعه خان‌لنجان پرداخت و مکان احتمالی شهرک را در شمال قلعه خان‌لنجان و حوالی فلاورجان کنونی پیشنهاد نمود (Stern, 1971: 46). دو سال بعد، «علی‌اکبر سرفراز» ناحیه لنجان را بررسی و با توجه به ساختار معماری و سفال‌های سطحی قلعه خان‌لنجان، به دو دوره سکونت ساسانی و سلجوقی اشاره و درخواست ثبت ملی این قلعه را مطرح می‌کند (سرفراز، ۱۳۴۶: ۳۲). «علیرضا جعفری‌زند» نیز ضمن انتساب قلعه خان‌لنجان به دوره ساسانی، این نظریه را عنوان نمود که سکونتگاه خان‌لنجان در دوره اسلامی در شمال کوه قلعه‌بزی واقع و به عنوان جزو کوچکی از شهر فیروزان مطرح بوده است و حتی استحکامات موجود بر فراز کوه قلعه‌بزی را دژ «فیروزان» نامید (جعفری‌زند، ۱۳۸۱: ۱۹۱ و ۱۹۹). ژاله کمالی‌زاد از دیگر پژوهشگرانی است که در سال ۱۳۸۷ ه.ش. نقشه‌ای جامع از کلیه آثار و سازه‌های برجای مانده از قلعه کوهستانی خان‌لنجان تهیه نمود (کمالی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۰).

توان بالقوه زیست‌محیطی رُستاق اَلنجان

«رُستاق اَلنجان» نخستین و قدیمی‌ترین عنوانی است که از ناحیه اَلنجان اصفهان در متون و مدارک مکتوب آورده شده و از میراث جغرافیای اداری ساسانیان برجای مانده است (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۰: ۳۷). استفاده از واحد جغرافیایی «رستاق» حتی پس از فتوحات مسلمین در اصفهان استمرار یافت و در بازه زمانی مورد مطالعه این پژوهش که از قرن اول تا هفتم هجری قمری را دربر می‌گیرد، هم‌چنان در منطقه اَلنجان رایج و مورد استفاده بود. بر این مبنا، در ابتدا کلیاتی درباره موقعیت جغرافیایی و شرایط زیست‌محیطی «رستاق اَلنجان» به عنوان منظر فرهنگی پیرامون شهرک خان اَلنجان بیان می‌شود. لازم به ذکر است در حال حاضر و در تقسیمات سیاسی کنونی، این رستاق با سه شهرستان فلاورجان، مبارکه و اَلنجان مطابقت می‌کند.

پهنه وسیع و حاصلخیز رستاق اَلنجان به موازات مسیر حرکت رودخانه زاینده‌رود از مرز استان چهارمحال و بختیاری و ارتفاعات دالانکوه آغاز و تا حدود ۶ کیلومتری جنوب غرب شهر اصفهان در جبهه غربی کوه صفا امتداد یافته و اراضی کوهستانی و جلگه‌ای را دربر می‌گیرد (افضل‌الملک، ۱۳۸۰: ۸۶). این پهنه که حدود ۱۷۱۱ کیلومترمربع مساحت دارد، تقریباً از همه جهات به جز ناحیه شمال غربی با ارتفاعاتی محصور شده است که به تبعیت از زاگرس، اغلب با جهتی شمال غربی - جنوب شرقی و با ارتفاع متوسط ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر می‌باشند (شفقی، ۱۳۸۱: ۷). کوه قلعه‌بزی که حاصل آخرین پیش‌آمدگی ارتفاعات دالانکوه در مرکز رستاق اَلنجان است، با ارتفاع حدود ۱۹۵۰ متر در ۴۰ کیلومتری جنوب غرب شهر اصفهان و در ۱۰ کیلومتری شمال شرق شهرستان مبارکه واقع و رودخانه زاینده‌رود با دور زدن آن به سمت شمال و شهر اصفهان تغییر مسیر می‌دهد (نقشه ۱).

اشراف و تسلط کوه قلعه‌بزی بر رودخانه زاینده‌رود، موقعیتی استراتژیک به این کوه و نواحی پیرامونی آن بخشیده و عامل توجه انسان از دوره پارینه‌سنگی میانی به این ارتفاعات گردیده است (بیگلری و همکاران، ۱۳۹۳)؛ ضمن آن که چرخش



نقشه ۱. محدوده کلی رستاق اَلنجان در جنوب غرب اصفهان و تغییر مسیر رودخانه زاینده‌رود پیرامون کوه قلعه‌بزی در مرکز این ناحیه (نگارندگان، ۱۳۹۷). ◀

و تغییر مسیر رودخانه زاینده‌رود در جبهه جنوبی کوه قلعه‌بزی، افزایش روند انباشته شدن رسوبات رودخانه را در پی داشته و بر حاصلخیزی خاک این منطقه افزوده است. ساخت قلعه کوهستانی خان‌لنجان بر فراز سه رشته از ناهمواری‌های طبیعی کوه قلعه‌بزی، گواهی است بر موقعیت مناسب توپوگرافیکی و شرایط مطلوب زیست‌محیطی این مکان (تصویر ۱). این قلعه با مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی در منتهی‌الیه شرقی کوه قلعه‌بزی بنا شده و در مجموع دارای مساحتی حدود ۹۲۶۰ متر مربع است که به اقتضای برش طبیعی کوه و در سه ارتفاع مختلف ساخته و از یک قلعه کوچک در پایین کوه، استحکامات مرکزی و یک ارگ بلند در مرتفع‌ترین نقطه کوه تشکیل شده است (کمالی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۰).



► تصویر ۱. موقعیت قلعه کوهستانی خان‌لنجان بر فراز سه رشته از ناهمواری‌های کوه قلعه‌بزی (کمالی‌زاد، ۱۳۸۷).

جایگاه رستاق النجان در اصفهان دوره پیش از اسلام

اشارات جسته‌وگریخته مورخان دوران اسلامی به قلعه‌ای کوهستانی که در زمان ساسانیان در رستاق النجان وجود داشته، احتمال ایجاد سکونتگاه خان‌لنجان را در دوره ساسانی تقویت می‌کند. به دلیل اهمیت رستاق النجان به عنوان بستر شکل‌گیری سکونتگاه خان‌لنجان، در این قسمت مطالبی درباره جایگاه این رستاق در دوره ساسانی بیان و سپس به تحولات شهرک خان‌لنجان در دوران اسلامی پرداخته می‌شود.

براساس جغرافیای اداری ساسانیان، ایرانشهر استان‌های معینی را شامل می‌شد که هر استان دارای تعدادی خوره (کوره) و هر خوره نیز تعدادی رستاق، شهر و دیه را دربر می‌گرفت. در دوره ساسانی، خوره اصفهان دارای سه استان، سی رستاق و پنج هزار دیه و هفت مدینه بوده است. «جی» در رستاق جی، به عنوان کرسی و مرکز سیاسی و نظامی «خوره» اصفهان در نظر گرفته شده بود و سایر رستاق‌ها و استقرارگاه‌های پیرامونی از جی تبعیت می‌کردند (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۷۷). «ابن‌رسته» که در اصفهان تولد یافته، در قرن سوم هجری قمری به توصیف شرایط رستاق النجان

پس از رستاق جی در دوره ساسانی می‌پردازد؛ «این رستاق وسیع‌تر و سرسبزی‌اش بیشتر و آبش زیاده‌تر و هوایش پاکیزه‌تر و درختانش فراوان‌تر و میوه‌هایش لذیذتر از دیگر رستاق‌هاست. در آنجا بیشتر اشراف و بزرگان که به اطراف می‌رفتند سکونت داشتند. منازل آن‌ها تا امروز پابرجاست و آثارشان باقی است و تمام دلالت بر بزرگواری و زیادی نعمت آن‌ها می‌کند. وی ضمن نسبت دادن تقسیم آب زری‌رود (زاینده‌رود) به اردشیر بابکان، از «رستاق النجان» به عنوان مکانی جهت جمع‌آوری و تقسیم آب زاینده‌رود یاد می‌کند (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۱ و ۱۸۳)؛ بدین ترتیب، افزون‌بر رستاق جی که مرکزیت سیاسی خوره اصفهان در دوره ساسانی را بر عهده داشت، رستاق النجان به عنوان نخستین رستاق واقع در مسیر رودخانه زاینده‌رود و محل تقسیم‌بندی آب این رودخانه در خوره اصفهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود؛ هم‌چنین قریه «جاجاه» در رستاق النجان، وقف آتشکده معروف ساسانیان به نام «سروش‌آذران» در رستاق جی شده بود (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۰: ۳۷).

«مافروخی» نیز که خود اهل اصفهان و از خاندانی اصیل بوده است، از رستاق «النجان» به عنوان ناحیه‌ای مهم یاد می‌کند که برخی از شاهان و مشاهیر دوره ساسانی از آن برخاسته‌اند؛ وی قریه «روسان» در رستاق النجان را زادگاه «بهرام‌گور» می‌داند و اشاره می‌کند که او مقابل قریه روسان و قریه دیگری به نام آزادوار، قلعه‌ای بنا کرده است (مافروخی، ۱۳۵۲: ۲۲). با این توصیفات و با توجه به موقعیت مکانی کوه قلعه‌بزی که در مرکز لنجان قرار دارد، چندان دور از ذهن نیست که قلعه موردنظر «مافروخی»، همان قلعه کوهستانی خان‌لنجان باشد که در دوران اسلامی در مجاورت شهر خان‌لنجان قرار داشته و بر این شهر و نواحی پیرامونی آن اشراف و تسلط داشته است. این نظر مورد تأیید استرن نیز می‌باشد و معتقد است قلعه مورد اشاره مافروخی احتمالاً قلعه کوهستانی خان‌لنجان است (Stern, 1971: 47). وجود داده‌های باستان‌شناختی دوره ساسانی در این قلعه (جعفری‌زند، ۱۳۸۱: ۹۰) و هم‌چنین پنهان شدن اشراف شهر در بخش‌هایی از ناحیه لنجان در زمان حمله اعراب به اصفهان (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۵۲۰)، این فرضیه را تقویت می‌کند؛ از طرف دیگر، این الگو با شهرهای ایرانی عهد ساسانیان به‌ویژه شهرهایی که از زمان قباد ساخته شدند، همانندی بسیار دارد. در این شهرها، کهندژی با بارویی بلند، بخش نظامی شهر را تشکیل می‌داد و قسمت اساسی شهر در شهرستان و در مجاورت کهندژ قرار داشت و کشتزارها در حاشیه شهرها جای داشتند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰)؛ با این حال، در صورت کاوش در قلعه خان‌لنجان با قطعیت بیشتری می‌توان در این زمینه صحبت نمود.

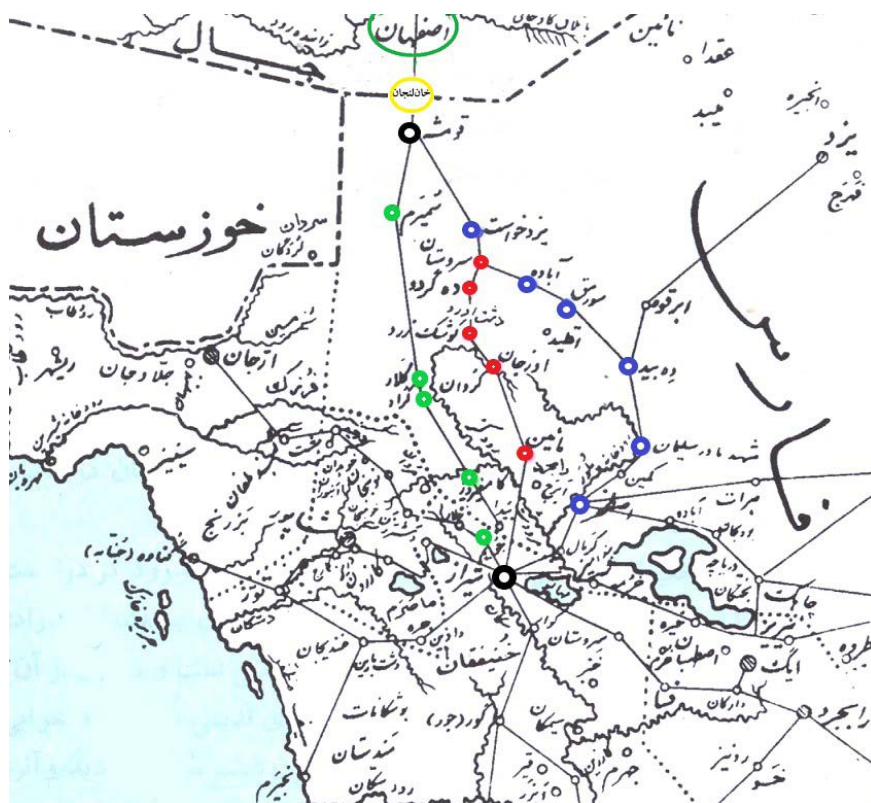
سکونتگاه خان‌لنجان در سه سده نخستین اسلامی

سپاه اسلام، اصفهان و استقرارهای اطراف آن را در سال ۲۰ یا ۲۱ ه.ق. (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۳۲) و به روایتی دیگر، سال ۲۳ ه.ق. به تصرف درآوردند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۱). از زمان فتح اصفهان به دست مسلمین تا سال ۳۱۹ ه.ق. در حدود سه قرن، حکومت اصفهان در دست اعراب بود و حکام و عاملان و ضابطان آن از طرف خلفا تعیین

می‌شدند (همایی، ۱۳۹۵: ۱۸۴). در این دوره، مرکز حکمرانی اصفهان همانند دوره ساسانی، قصبه جی (شهرستان) بود که در رستاق جی قرار داشت (ابن‌رسته، ۱۴۰۸: ۱۴۰). طبق تعریف مقدسی، «قصبه جی» به عنوان پایتخت ایالتی در نظر گرفته شده بود و سایر استقرارها و سکونتگاه‌های پیرامونی اصفهان از نظر سیاسی و اداری تابع جی بودند. رستاق النجان نیز نام و موقعیت برجسته خود را هم‌چنان در سده‌های نخستین اسلامی حفظ نموده و به واسطه قلعه کوهستانی خان‌لنجان، در ایجاد امنیت در مناطق جنوبی اصفهان نقش داشت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۵۲). در این دوره، سکونتگاه «خان‌لنجان» به عنوان آخرین منزلگاه، پیش از ورود به شهر اصفهان در مسیر راه‌های باستانی فارس و ناحیه بختیاری مطرح بوده است. «ابن‌خردادبه (متوفی به سال ۳۰۰ ه.ق.)، به عنوان قدیمی‌ترین و نزدیک‌ترین مأخذ به دوره ساسانی، هنگامی که به توصیف منزلگاه‌های دو مسیر فارس و اهواز به اصفهان می‌پردازد، از این سکونتگاه، به صورت «خان‌الابرار» یاد می‌کند که تا اصفهان ۷ فرسخ فاصله داشته است (ابن‌خردادبه، ۱۸۸۹: ۵۸)؛ اگرچه در منابع مکتوب دوران اسلامی نام‌های مختلف دیگری هم‌چون: «خُولَنجَان» یا «خَالَنجَان» (مقدسی، ۱۹۰۶)، «خان‌لنجان» (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵؛ اصطخری، ۱۳۴۰) و یا به اختصار «خان» نیز ذکر شده است (ابونعیم، ۱۴۱۰)؛ بنابراین می‌توان گفت علاوه بر حاصلخیزی و دسترسی به آب زاینده‌رود، عبور این دو راه مهم تجاری که راه نخست از خلیج فارس و فارس و راه دوم از بندر بصره و ناحیه بختیاری به منزلگاه خان‌لنجان و سپس اصفهان منتهی می‌شد، بر نقش اقتصادی سکونتگاه خان‌لنجان، تأثیر می‌گذارد. ابن‌رسته در اثر خود الاعلاق النفیسه (تألیف ۲۹۰ ه.ق.)، به‌طور ضمنی بر نقش تجاری این منطقه تأکید کرده و با بیان فاصله ۸ فرسنگی بین خوره اصفهان و خوره شیراز، از دادوستد تجار این دو خوره در شهرهای نزدیک به اصفهان خبر می‌دهد (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۱)، (نقشه ۲).

توسعه و تحول شهرک خان‌لنجان پس از قرن چهارم هجری قمری

اصفهان تا ابتدای قرن چهارم تحت سلطه خلفای عباسی باقی‌ماند، اما در سال ۳۲۱ ه.ق.، «مرداویج زیاری» به کمک «علی بن بویه» با «مظفر بن یاقوت»، عامل خلیفه «عباسی» (المقتدر) در سه فرسنگی اصفهان جنگ نمود و پیروز شد (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۶، ج. ۵: ۳۷۶). دو سال بعد با قتل مرداویج، «حسن بن بویه (رکن‌الدوله)» بر اصفهان مسلط شد و پس از آن به مدت یک قرن اصفهان به عنوان بخشی از قلمرو آل بویه مورد توجه قرار گرفت و رونق فراوانی یافت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰، ج. ۱۱: ۴۸۶۷). آن‌چه از اوایل قرن چهارم هجری قمری به بعد در مناسبات مختلف شهر اصفهان و استقرارهای پیرامونی آن بایستی مدنظر قرار گیرد، تغییر مرکزیت سیاسی و اداری اصفهان از شهر جی به «یهودیه» توسط امرای آل بویه است. مقدسی، جغرافی‌دان برجسته قرن چهارم، برخلاف جغرافی‌دانان پیشین در این زمان «یهودیه» را به عنوان «قصبه» اصفهان معرفی می‌کند و «خالنجان» را یکی از «مدینه‌های» مهم اصفهان برمی‌شمارد که تابع قصبه یهودیه بوده است (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۸ و ۵۱). «مدینه»



نقشه ۲. خط سیرهای بین خوره شیراز و خوره اصفهان، نقاط آبی نمایانگر مسیر زمستانی، قرمز راه تابستانی و سبز راه کوهستانی (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۲۳). ◀

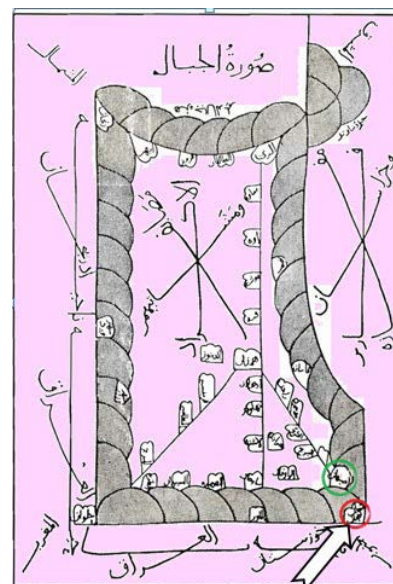
که در اصل واژه‌ای آرامی است، به جایگاهی گفته می‌شد که عدالت در آن اجرا شده و مقرر دولت یا نمایندگان حکومت محسوب می‌گشت. مدینه، اغلب توسط حکام محلی با هدف جذب بازرگانان و منابع مالی ایجاد می‌گشت تا موقعیت و قدرت این حکام تثبیت گردد و گذشته از موقعیت اداری و سیاسی، دارای نقش مذهبی نیز بود و در آن مسجد جامع بنا می‌شد (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۳؛ Kennedy, 2010). اگرچه نمی‌توان وجود مسجد جامع را تفاوت عمده استقرارهای روستایی و شهری دانست؛ چرا که در بسیاری از روستاها چنین مساجدی برپا بوده است (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۱۶۰) و در منطقه لنجان نیز دو قریه فیروزان و سهر دارای جامع بوده‌اند (حموی، ۱۳۹۷، ج. ۳: ۲۸۹). «ابونعیم» ضمن اشاره به مسجد جامع خان لنجان، آن را «مدینه» (ابونعیم، ۱۴۱۰، ج. ۱: ۱۹۷) و «ابن حوقل» به صورت «مدینه صغیره» (ابن حوقل، ۱۸۷۲: ۲۶۲) ثبت نموده است. در کتاب حدود العالم (تألیف ۳۷۲ ه.ق.) که تنها به توصیف دو شهر سپاهان و شهرک خان لنجان در کوره اصفهان پرداخته شده، خان لنجان «شهرکی» خرم، پر نعمت و با کشت و برز معرفی شده است (حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۸۹). آنچه در توصیف کتاب فارسی زبان حدود العالم اهمیت دارد، کاربرد واژه «شهرک» برای خان لنجان است که در صورت شناخت ویژگی‌های این نوع استقرارها در ایران سده چهارم هجری قمری، به درک بهتری از جایگاه خان لنجان خواهیم رسید. دیگر جغرافی دانان مسلمان قرن چهارم ه.ق. از «خان لنجان» در کنار مشهورترین شهرهای ناحیه جبال یاد می‌کنند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۴؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۵؛ حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۸۹) و ابن حوقل و «اصطخری»، موقعیت این شهر را در نقشه

منطقه جبال ترسیم کرده‌اند که بیانگر نقش برجسته مدینه خان لنجان در این دوران است (نقشه ۳ و ۴).

حضور نخبگان و محدثینی که در این دوره تاریخی در خان لنجان زندگی



► نقشه ۳. راست: موقعیت شهرک خان لنجان در نقشه سرزمین جبال، قرن چهارم هجری قمری (ابن حوقل، ۱۳۶۶).
 ► تصویر ۴. چپ: موقعیت شهرک خان لنجان در نقشه سرزمین جبال، قرن چهارم هجری قمری (اصطخری، ۱۳۴۰).



می‌کرده‌اند نیز نه تنها بر موجودیت یک شهر اسلامی، بلکه بر جایگاه و ارزش فرهنگی آن در اصفهان و در میان طبقه علما صحه می‌گذارد. «ابونعیم» (قرن چهارم هجری قمری) از محدثی به نام «عبدالله بن احمد بن ایشکیب» یاد می‌کند که از شهر اصفهان به «خان» رفته و در سال ۲۸۳ ه.ق. در آنجا درگذشته است (ابونعیم، ۱۴۱۰، ج. ۲: ۱۹). وی از «احمد بن الحسین بن ممشاذ أبو العباس» (متوفی به سال ۳۶۰ ه.ق.) نیز به عنوان امام جامع مدینه خان نام می‌برد (ابونعیم، ۱۴۱۰، ج. ۱: ۱۹۷). یاقوت به گروهی از علما اشاره می‌کند که از این شهر برخاسته و لقب «خانی» یا «خانی اصفهانی» داشته‌اند و دو محدث به نام‌های «ابوعبدالله الخانی» و «ابواحمد الخانی اصفهانی» (متوفی ۴۰۶ ه.ق.) در این شهر ساکن بودند (حموی، ۱۳۹۷: ۳۴۱). جالب آنجاست که در پایان یکی از نسخه‌های شاهنامه محفوظ در موزه بریتانیا ابیاتی وجود دارد که در پیوند با مدینه خان لنجان است. از این ابیات چنین برمی‌آید که «فردوسی» پس از سال ۳۸۴ ه.ق. به اصفهان و خان لنجان سفر کرده و از مهمان نوازی «احمد بن محمد بن ابی بکر خان لنجانی»، حاکم این شهر برخوردار شده است.

سپاهانی و خان نشستگهش به نزد بزرگان ستوده دهش
 چو در خان لنجان فراز آمدم به‌رچ آن بگویی نیاز آمدم
 مراسم خاودش راه داد چو با من بدید او به خرگاه داد
 اگرچه صحت و اسالت ابیات فوق جای تردید دارد و به عقیده «ذبیح‌الله صفا»، این ابیات سست از آن فردوسی نیست و احتمالاً ابیات مذکور به آخر نسخه‌ای متعلق به حکمران خان لنجان اضافه شده‌اند (صفا، ۱۳۵۵: ۶۱۱-۶۱۲).

ابن حوقل توصیف بسیار روشنی از مدینه خان لنجان و قلعه کوهستانی آن در قرن چهارم هجری قمری ارائه کرده است: «خان لنجان شهری است کوچک و فراخ نعمت و پربرکت و ناحیه و روستایی دارد. در این روستاها، آب‌های گوارا و درختان بسیار و شفتالوی خوب و لذیذ است. در اینجا قلعه بزرگی است که گنجینه امرای آن و مشرف بر خان لنجان و نواحی آن تا نزدیک اصفهان است و از شهر (اصفهان) ۹ فرسخ فاصله دارد» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۸-۱۰۹). در این توصیف، بر دو کارکرد قلعه کوهستانی خان لنجان تأکید شده است؛ نخست، کاربرد حکومتی که در دست حاکمان و امرای محلی شهر خان لنجان قرار داشته است؛ و دیگری، کاربری نظامی و حراستی این قلعه که نه تنها بر شهر خان لنجان، بلکه بر استقرارها و نواحی آن که تا اصفهان گسترده بودند، نظارت داشته است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۸-۱۰۹). بر این مبنای، قلعه خان لنجان دارای نقشی نظامی در ارتباط با شبکه قلاع و استحکامات منطقه جنوب اصفهان بوده است.

در نیمه نخست سده چهارم هجری قمری و در زمان حکمرانی امرای آل بویه، شهر و قلعه کوهستانی خان لنجان از چنان موقعیت نظامی و سوق‌الجیشی‌ای برخوردار بود که در دو حمله سامانیان به اصفهان، حاکمان آل بویه به منظور دفاع و ایستادگی به سمت خان لنجان رهسپار شده و امرای «بویهی» در قلعه کوهستانی این شهر پناه گرفته و به دفاع پرداختند. در حمله نخست که در سال ۳۳۹ یا ۳۴۰ ه.ق. صورت گرفته، «رکن الدوله دیلمی» با «ابن قراتکین»، سردار سامانیان در خان لنجان رویه‌رو گردید تا در سمت دیه‌های کرانه زرین رود باشد و بی‌آب نماید (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۸۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۰۲۹). در جنگ دیگری که در سال ۳۴۳ ه.ق. رخ داده است، از «دژ شهر خان لنجان» به عنوان مکانی برای زندانی کردن اسرای خراسانی یاد شده است (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۲۰۴)؛ هم‌چنین قبل از به قدرت رسیدن سلاجقه در اصفهان، حمله دیگری توسط «حسام الدوله ابوشوک» سرکرده یکی از قبایل گُرد به شهر خان لنجان صورت گرفت. او پس از فتح کرمانشاه، سپاهی برای تصرف خان لنجان روانه کرد و ایشان به مدافعان شهر که در «دژ میانی» پناه گرفته بودند، حمله کرده و در ذی‌القعدة سال ۴۳۰ ه.ق. قلعه خان لنجان را به تصرف درآوردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۷۰۹)؛ بدین ترتیب، قلعه خان لنجان تا قبل از حکومت سلجوقیان در اصفهان و بازسازی شاهدژ به عنوان مهم‌ترین قلعه پایتخت در نیمه نخست قرن پنجم هجری قمری نقش بسیاری در تأمین امنیت و حراست از مناطق جنوبی شهر اصفهان ایفا می‌نمود.

جایگاه شهرک خان لنجان پس از گزینش اصفهان به عنوان پایتخت سلجوقیان

سپاه «طغرل بیک»، سرسلسله دودمان سلجوقی در سال ۴۴۲ ه.ق. بر «منصور بن علاء الدوله بویهی» چیره و به نام او در اصفهان خطبه خواندند و اصفهان به عنوان پایتخت و دارالمقام سلاجقه تا سال ۵۹۱ ه.ق. برگزیده شد (همایی، ۱۳۹۵: ۱۸۷). در زمان حاکمیت سلجوقیان، آن‌چه بیش از پیش بر شهر بودن خان لنجان دلالت

دارد، وجود دروازه آن است که «ناصر خسرو» در سال ۴۴۴ ه.ق. با عبور از آن به شهر وارد شده؛ «به خان‌لنجان رسیدیم و بر دروازه شهر نام سلطان طغرل بیک نوشته دیدم و از آنجا به شهر اصفهان هفت فرسنگ بود. مردم خان‌لنجان عظیم ایمن و آسوده بودند (قبادیانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

در قرون میانی اسلام، علاوه بر تولید کالا و تجارت، مالکیت زمین یکی از منابع عمده ثروت در شهرهای اسلامی محسوب می‌شد؛ به ویژه آن‌که این املاک مرغوب به واسطه کشت آبی از بازدهی اقتصادی خوبی برخوردار و اغلب در تملک شهرنشینان بودند (گرابار، ۱۳۹۰: ۳۲). در این زمینه می‌توان به وقف‌نامه‌ای متعلق به مقبره «خواجه نظام‌الملک طوسی» اشاره نمود که بر طبق آن در سال ۵۵۰ ه.ق. آسیایی در دیه سنبادجان لنجان، وقف مقبره خواجه در شهر اصفهان شده است. در وقف‌نامه مذکور، به جهت اهمیت رقبات، محل و موقعیت این آسیا در رستاق لنجان به دقت مشخص شده و تقسیمات اداری لنجان تا قبل از حمله مغول از خرد به کلان، به صورت «دیه» و «رستاق» در زیرمجموعه «خوره» اصفهان، شناسایی می‌شود (افشار، ۱۳۵۵: ۶۷۳). آن‌چه از این وقف‌نامه استنباط می‌شود، ارتباط متقابل لنجان با شهر اصفهان است که رقبه و پشتوانه مالی مقبره وزیر برجسته سلاجقه که از طبقات نخبه شهری محسوب می‌شد، در منطقه‌ای برون‌شهری و پیرامونی در نظر گرفته شده است. بر این مبنا، اراضی رستاق لنجان که به استناد منابع مکتوب دوران اسلامی، سهام آبی معین و مشخص از زاینده‌رود دریافت می‌کردند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۹؛ آوی، ۱۳۸۵: ۱۷۵)، جزو املاک مرغوب زراعی محسوب شده و افراد برجسته شهری خواهان مالکیت آن‌ها بودند. در قرن پنجم هجری قمری شراب باغ‌های انگور رستاق لنجان ستوده شده (مافروخی، ۱۳۵۲: ۷۹) که بیانگر ارزش زراعی این منطقه در مجاورت پایتخت سلاجقه، یعنی اصفهان است.

در اواخر قرن پنجم هجری قمری، بخش عمده اطلاعات تاریخی شهر و قلعه خان‌لنجان به قیام فرقه «اسماعیلیه» مربوط می‌شود. بر طبق مستندات تاریخی، قلعه خان‌لنجان در ابتدا اختیار «مؤیدالملک»، فرزند خواجه نظام‌الملک طوسی بود و از او به «بجاولی سقاو» از امیران سلجوقی منتقل گردید، اما در اثر اختلافاتی که بر سر جانشینی «ملکشاه سلجوقی» رخ داد و به تضعیف قدرت مرکزی انجامید، این قلعه و شاهدژ اصفهان توسط اسماعیلیان و به رهبری «احمدبن عطاش» به تصرف درآمدند (ابن اثیر، ۱۳۸۸: ۶۲۱۸). در نهایت «سلطان محمد تپیر» به سرکوبی اسماعیلیان پرداخت و در سال ۵۰۰ ه.ق.، مقر اصلی آن‌ها، شاهدژ اصفهان و سپس قلعه خان‌لنجان را نابود کرد (همان، ۶۳۳۲). پس از این واقعه، در متون تاریخی راجع به استفاده مجدد از قلعه کوهستانی خان‌لنجان مطلبی ذکر نشده، اما در ورودی ارگ قلعه خان‌لنجان، کتیبه‌ای بر روی سنگ کنده شده که تا حد زیادی مخدوش و ناخوانا است، ولی حک عبارت «صفر سنه اربع العشرین ستمائة» قدمت کتیبه مذکور را به سال ۶۲۴ و قرن هفتم هجری قمری بازمی‌گرداند (کمالی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲). در این زمینه، اظهارات یاقوت حموی نیز (تألیف بین ۶۱۵

تا ۶۲۱ ه.ق.)، نشان از حیات شهری خان‌لنجان تا پیش از حملات مغولان دارد. او این سکونتگاه را «مدینه‌ای» نیکو با بازار و عمارات و قلعه‌ای قدیمی و حصین معرفی می‌کند که با اصفهان دو روز فاصله داشته است و به هر دو نام این استقرار، یعنی «خان» و «خان‌لنجان» اشاره می‌کند و معتقد است «خان» واژه‌ای ایرانی و به معنای محل سکونتگاه تجار است (حموی، ۱۳۹۷: ۳۴۱). وجود سوق و بازار در توصیف حموی، نشانگر حضور طبقه متوسط بازرگانان در این شهر و نقش اقتصادی آن است که بخش عمده آن به دلیل موقعیت مکانی خان‌لنجان و واقع شدن در مسیر راه‌های تجاری و به عنوان منزلگاهی جهت دادوستد تجار حاصل شده است. ضمن آن که تسلط قلعه کوهستانی خان‌لنجان بر معبر تجاری این شهر، بر امنیت آن می‌افزود.

هم‌اکنون به استثنای سفال‌هایی که از حفاری‌های قاچاق ارگ قلعه، به بیرون ریخته شده و اغلب آن‌ها از نوع خشن بی‌لعباب و ذخیره‌ای هستند؛ در سایر قسمت‌های قلعه مقدار ناچیزی سفال مشاهده می‌شود که با توجه به تعدد دوره‌های سکونت در قلعه خان‌لنجان این کمبود سفال تا حدی عجیب به نظر می‌رسد. در این زمینه، استرن اشاره می‌کند که در بررسی سال ۱۹۶۵ م. قصد انجام مطالعات باستان‌شناسی نداشته، اما در یک بررسی ساده به جمع‌آوری داده‌های سطحی و از جمله سفال پرداخته است؛ وی قدیمی‌ترین سفال‌ها را مربوط به قرون سوم و چهارم هجری قمری و اغلب آن‌ها را به مهم‌ترین دوره سکونت قلعه، یعنی زمان سلاجقه و اسماعیلیان نسبت می‌دهد. استرن در مقاله خود هیچ تصویر یا طرحی از مواد فرهنگی قلعه منتشر نکرده و تنها سفال‌های به دست آمده از جبهه شمال شرقی استحکامات مرکزی را در سه گروه خمیره نخودی و لعباب فیروزه‌ای رنگ، سفال‌های نخودی تا حدی خشن با خطوط کبالت متقاطع در زیرلعباب شفاف و هم‌چنین سفال‌های اسگرافیاتو با لعباب پاشیده سبز و زرد (قرن ۳-۵ ه.ق.) طبقه‌بندی نموده است (Stern, 1971: 57). با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد انجام کاوش، اطلاعات دقیق‌تری در مورد وضعیت سفال و گاهنگاری نسبی قلعه و آخرین دوره سکونت آن در اختیار ما قرار دهد.

نکته مهمی که در مورد قلعه کوهستانی خان‌لنجان بایستی مدنظر قرار گیرد، ارتباط متقابل و تنگاتنگ آن با شهر خان‌لنجان است؛ بدین معنا، همان‌گونه که موجودیت آن عامل مهمی در شکل‌گیری و تداوم استقرار در شهر خان‌لنجان بوده است، تخریب آن نیز در کاهش امنیت مناطق مجاور کوه قلعه بزی تأثیرگذار و رکود شهر را در پی داشته است؛ اگرچه گزینش قریه فیروزان به مرکزیت ناحیه لنجان در دوره ایلخانی و تبدیل آن به یکی از سه شهر برتر اصفهان در قرن هشتم هجری قمری نیز در زوال تدریجی شهر خان‌لنجان نقش داشته است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۵۶).

موقعیت مکانی و گستره فضایی شهرک خان‌لنجان

با وجود اعتبار و اهمیت شهرک خان‌لنجان، هم‌چنان ابهاماتی در مورد موقعیت مکانی و وسعت آن وجود دارد. برخی پژوهشگران مکان این شهرک را شمال کوه‌های

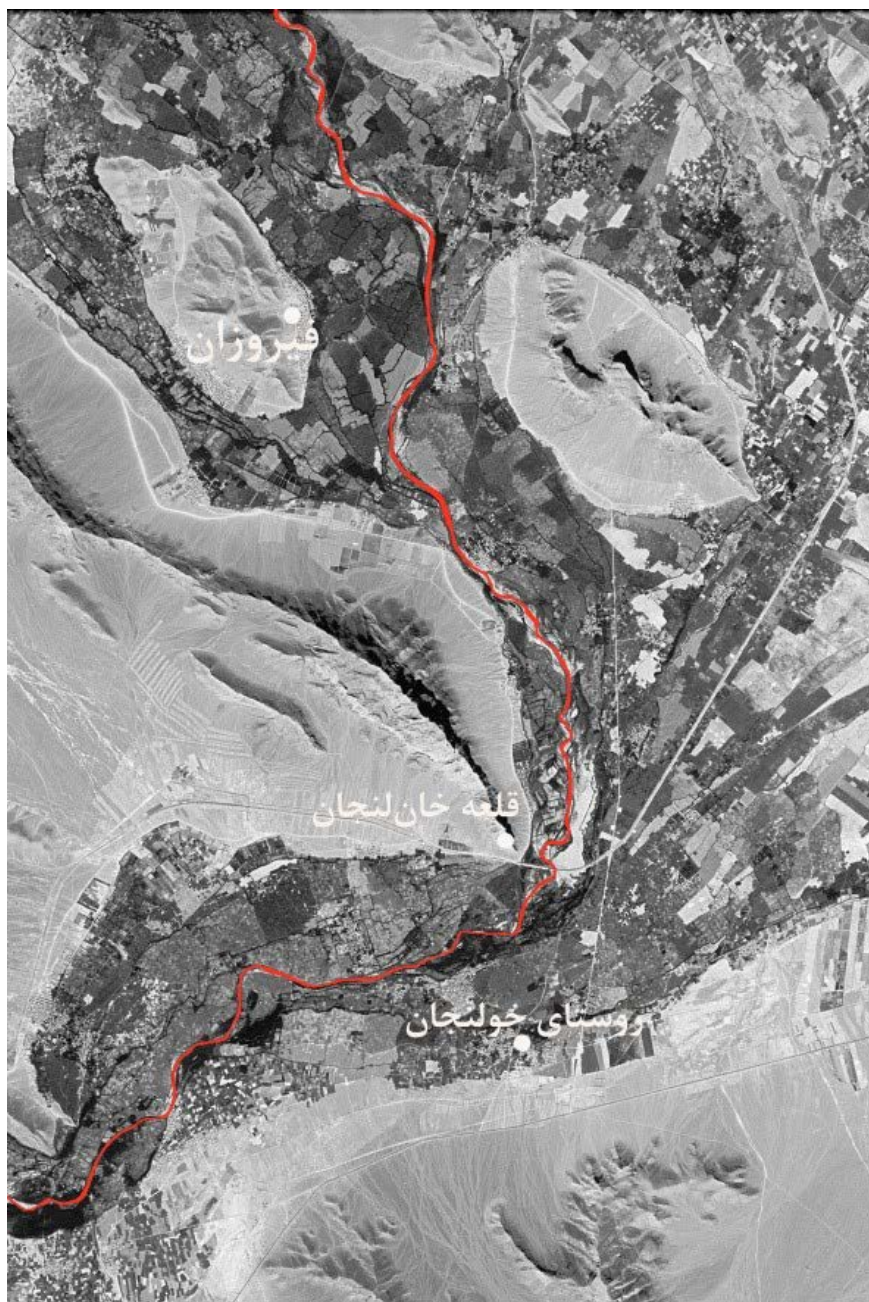
قلعه‌بزی دانسته و معتقدند خان لنجان بدون شک با «فیروزان»، شهر برجسته دوره ایلخانی در ناحیه لنجان مطابقت می‌کند (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۲۳؛ جعفری‌زند، ۱۳۸۱: ۱۹۱) و برخی دیگر، مکان احتمالی این شهرک را در فاصله نزدیک‌تری به شهر اصفهان و در حوالی فلاورجان کنونی، پیشنهاد نموده‌اند (Stem, 1971: 46).

در حال حاضر، استقرار فیروزان در فاصله ۶ کیلومتری شمال غربی کوه قلعه‌بزی و بر دامنه کوه منفردی به نام «فیروزان» (ارتفاع تقریبی ۱۸۰۰ متر از سطح دریا) قرار دارد که مدارک تاریخی و وفور آثار معماری دوره ایلخانی بیانگر رونق و شکوفایی این شهر در نیمه نخست قرن هشتم هجری قمری هستند (کمالی‌زاد، ۱۳۹۷: ۸۱).

در مجاورت فیروزان، روستایی به نام «سهر» قرار دارد که به جهت نزدیکی این دو استقرار، امروزه آن‌ها را «سهر و فیروزان» می‌نامند. یاقوت حموی در اوایل قرن هفتم هجری قمری، فیروزان را یکی از قریه‌های ناحیه النجان معرفی می‌کند که دارای هوای تمیز، آب فراوان و مسجد جامع بوده است (حموی، ۱۳۹۷، ج. ۴: ۲۸۳). او روستای سهر را نیز قریه‌ای کبیر و از ناحیه خان لنجان معرفی کرده است: «سهر به فتح سین، قریه کبیره ذات جامع ملیح و مناره. من قریه اصفهان ثم من ناحیه خان لنجان» (حموی، ۱۳۹۷، ج. ۳: ۲۸۹)؛ بنابراین به دلیل وجود هر دو استقرار «خان لنجان» و «فیروزان» در یک زمان واحد، این تصور که «خان لنجان» و «فیروزان» هر دو یک شهر بوده‌اند، صحیح به نظر نمی‌رسد و فرضیه تغییر نام خان لنجان به فیروزان در گذر زمان باطل می‌گردد؛ هم‌چنین از آنجا که حموی از فیروزان به عنوان یکی از «قریه‌های» اصفهان یاد می‌کند، نه شهری بزرگ و پررونق همانند خان لنجان، چندان دور از ذهن نیست که تا قبل از دوره ایلخانی روستای فیروزان هم‌چون سهر، بخش و تابعی از شهرک خان لنجان بوده است (تصویر ۲).

یکی از مواردی که فرضیه وجود شهرک خان لنجان در جنوب کوه قلعه‌بزی و در مجاورت قلعه کوهستانی خان لنجان را تقویت می‌کند، وجود روستایی به نام «خولنجان» در جنوب این کوه و در شرق رودخانه زاینده‌رود است که با شهر اصفهان حدود ۴۵ کیلومتر فاصله دارد و با فاصله ۷ فرسخی که اغلب جغرافی‌دانان مسلمان بدان اشاره کرده‌اند، هم‌خوانی بیشتری دارد (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۵۸؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۸)؛ هم‌چنین یافته شدن سنگ‌قبری در گورستان روستای خولنجان با تاریخ ۵۸۶ ه.ق. شاهی است بر قدمت و استمرار سکونت در این استقرار تا قرن ششم هجری قمری (کریمی، ۱۳۸۲: ۶۷). از سوی دیگر، ارتفاعاتی که در جنوب روستای «خولنجان» واقع هستند، هم‌چنان نام باستانی خود را حفظ نموده و در نقشه‌ها با عنوان «کوه خولنجان» ثبت گردیده‌اند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۷). در نهایت قلعه کوهستانی خان لنجان نه تنها بر نواحی جنوبی کوه قلعه‌بزی و روستای خولنجان فعلی به نسبت فیروزان تسلط بیشتری دارد، بلکه شباهت اسمی آن‌ها بر احتمال وجود شهرک خان لنجان در نواحی جنوبی کوه قلعه‌بزی صحه می‌گذارد.

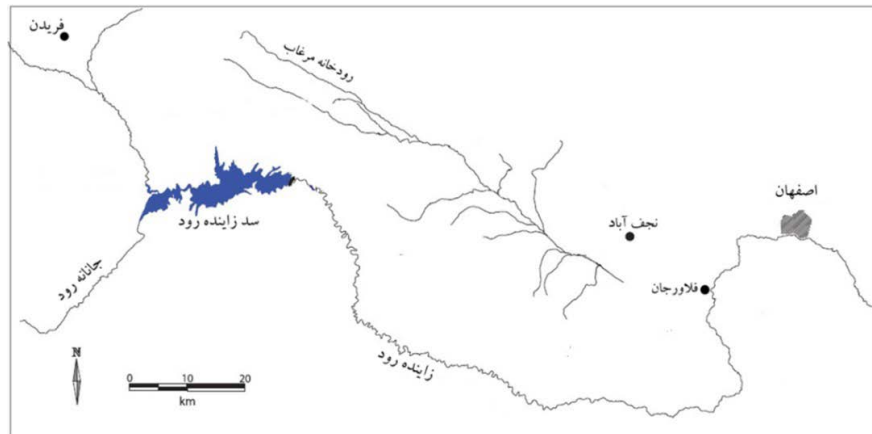
در مورد گستره و وسعت تقریبی شهرک خان لنجان می‌توان از توصیفات ابن حوقل در مورد شعبات رودخانه زاینده‌رود و داده‌های جغرافیایی این منطقه بهره جست. به



تصویر ۲. جانمایی استقرارهای خولنجان و فیروزان نسبت به قلعه خان لنجان در تصویر ماهواره‌ای کرونا، ۱۹۶۹ م. (سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده آمریکا). ◀

گفته ابن حوقل «زاینده رود در اصل دو رود متباین است؛ یکی، از خانان؛ و دیگری، از ناحیه فریدین (فریدن کنونی) واقع در خنکان سرچشمه می‌گیرد... رودی که از فریدن سرچشمه می‌گیرد در نزدیکی «رودبار» به شعبه خانان می‌پیوندد و آب خانان در «خان لنجان» به زمین می‌نشست» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۸). استرن براساس همین توصیفات ابن حوقل، اشتباهاً محل اتصال رودخانه مرغاب با زاینده رود را «رودبار» تلقی نموده و مکان شهر خان لنجان را نواحی شمالی کوه قلعه بزی و در فلاورجان کنونی می‌داند (Stern, 1971: 48)؛ درحالی‌که رودخانه فصلی مرغاب از ناحیه گرون (در ۵۰ کیلومتری غرب نجف‌آباد) سرچشمه می‌گیرد و شعبه مدنظر ابن حوقل

که امروزه رودخانه پلاسگان (فلاسان) نامیده می‌شود؛ از فریدن سرچشمه گرفته و به عنوان مهم‌ترین شعبه زاینده‌رود از نظر میزان آب و دائمی بودن مطرح است. بر طبق تصاویر ماهواره‌ای و نقشه‌های زمین‌شناسی منطقه، رودخانه پلاسگان در مناطق غربی و قبل از ارتفاعات قلعه‌بزی به شعبه دیگر زاینده‌رود، یعنی خانان یا جانانه‌رود کنونی، می‌پیوندد (حسینی‌ابری، ۱۳۷۹: ۴۸)، (نقشه ۵).



► نقشه ۵. شعبات اصلی رودخانه زاینده‌رود و موقعیت رودخانه فصلی مرغاب در غرب اصفهان (کمالی‌زاد، ۱۳۹۷).

آنچه ما را به حدود و گستره تقریبی شهر خان‌لنجان نزدیک‌تر می‌کند، شناسایی منطقه «رودبار» است که ابن حوقل آن را محل اتصال دو شعبه اصلی زاینده‌رود می‌داند و «ابن مسکویه» آن را بخشی از «خان‌لنجان» معرفی می‌کند. طبق گفته ابن مسکویه، رکن‌الدوله دیلمی با یکی از سرداران سامانیان به نام «ابن قراتکین» در منطقه «رودبار» از «خان‌لنجان» هفت روز جنگید تا قراتکین شکست خورد و گریخت. توصیف جزئیات این جنگ جالب توجه است؛ «رکن‌الدوله چون به جربادقان [گلیایگان فعلی] رسید، ابن قراتکین به اصفهان رسیده و خرابی‌ها کرده بود و چون دانست که رکن‌الدوله نزدیک شده به سوی بیابانی نزدیک اصفهان رفته، کنار رودخانه زاینده‌رود فرود آمد تا جلو سپاه رکن‌الدوله را در جایی بگیرد که بیابان او را خسته و تشنه ساخته و دسترسی به آب نیز نداشته باشد. رکن‌الدوله لازم دید تا به «خان‌لنجان» برگردد تا در سمت دیه‌های کرانه زاینده‌رود باشد و بی‌آب نماند. چون ابن قراتکین از این تصمیم آگاه شد، جای خود را تعویض کرد تا دشمن راه پشت سرش را نبندد. پس دو دشمن در جایی به نام «رودبار» روی در روی هم قرار گرفتند که زاینده‌رود میان دو طرف بود، ولی به سبب کم‌آبی فصل، نه مانع گذشتن سوار بود، نه پیاده» (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۸۰). «ابن اثیر» در روایت این جنگ از «رودبار» اسمی به میان نمی‌آورد و «خان‌لنجان» را محل درگیری دو سپاه معرفی می‌کند (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۲۹). با توجه به توصیفات فوق و موقعیت جغرافیایی زاینده‌رود در مجاورت کوه قلعه‌بزی، به نظر می‌رسد رکن‌الدوله در نواحی جنوبی کوه قلعه‌بزی مستقر شده است تا از امکانات دفاعی قلعه خان‌لنجان بهره‌گیرد. اما سردار سامانی با عبور از گردنه گاوپیسه در شمال شرقی کوه قلعه‌بزی و در سمت دیگر رودخانه، سپاهیان خود را اسکان داده است. در بررسی باستان‌شناختی منطقه

لنجان مشخص گردید که مردمان محلی «اشیان» در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب ارتفاعات قلعه بزی، هم‌چنان از واژه «رودبار» برای نامیدن این منطقه استفاده می‌کنند؛ هم‌چنین در طومار تقسیم آب زاینده‌رود که به شیخ بهایی منتسب و احتمالاً در زمان صفویان مکتوب گردیده، نام دیگر منطقه اشیان، «رودبار» ذکر شده است (حسینی ابری، ۱۳۷۹: ۱۰۳)، (تصویر ۳).



تصویر ۳. محل جنگ سپاهیان آل بویه و سامانیان در منطقه رودبار یا اشیان کنونی (Google Earth, 2021).

در مجموع، از برآیند و تطبیق داده‌های جغرافیایی و تاریخی چنین برمی‌آید که شهرک خان لنجان، محدوده وسیع‌تری از روستای کنونی خولنجان را دربر داشته است و می‌توان محدوده آن را به سمت غرب و تا حدود اشیان در لنجان علیا گسترش داد؛ اگرچه به دلیل ساختار زراعی و استقرارهای روستایی حومه آن، سفال و بقایای معماری و سایر مواد فرهنگی بسیار اندک بوده و تعیین مرزهای دقیق و مشخص برای این شهرک امکان‌پذیر نیست.

تعاملات شهرک خان لنجان با قریه‌های پیرامونی و قصبه اصفهان برمبنای نظریه شبکه شهری

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، یکی از اهداف این پژوهش، شناخت مؤلفه‌های سکونتگاه خان لنجان به‌عنوان نمونه‌ای از شهرک‌های دوران اسلامی است که در مناطق حومه و به دور از مراکز شهری بزرگ، مانند اصفهان شکل می‌گرفتند؛ به‌طورکلی از سال‌های آغازین اسلام تا قرن سوم هجری قمری، به دلیل اقتدار مرکزی قابل‌قبولی که از طرف خلفا وجود داشت، ساخت سکونتگاه‌های جدید یا ایجاد تغییرات عمده در استقرارگاه‌های قدیمی‌تر، عمدتاً با تأمین هزینه و حمایت مالی خلیفه صورت می‌گرفت (گرابار، ۱۳۹۰: ۱۸). بنابراین در این دوره نمی‌توان بروز و ظهور تحولات چشمگیر در سکونتگاه‌ها و شهرهای جهان اسلام را انتظار داشت؛ چراکه از نظر اداری و مالی تابع خلیفه و سیاست‌های وی بودند. این الگو در مورد سکونتگاه خان لنجان نیز قابل‌تعمیم است و در سه سده نخست دوران اسلامی،

علت اصلی ارزش و اعتبار آن، در کنار ظرفیت‌های زیست‌محیطی، واقع‌شدن آن در محل تلاقی دو راه باستانی جنوب و جنوب غرب ایران بوده است. اما از قرن چهارم تا افول شهرک خان‌لنجان که مقارن با حکومت امرای آل بویه و سلاجقه در اصفهان است، خان‌لنجان توسعه یافته و پررونق گردید و به تبع آن در این دوره اطلاعات و دانش ما در مورد جنبه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این شهرک افزایش می‌یابد. این تحولات در توصیف ابن حوقل از شهرک خان‌لنجان و قلعه کوهستانی آن نیز انعکاس یافته که بیانگر رشد و توسعه خان‌لنجان و نقش مرکزی آن در رستاق النجان است؛ به نحوی که نواحی و روستاهای پیرامونی در تابعیت آن بوده و به واسطه این استقرار مدیریت می‌شده‌اند. این توسعه و دگرگونی، در سایر مناطق ایران نیز عمومیت داشته و آثار جغرافی نویسان برجسته از رشد شتابان شهرنشینی در فاصله قرون سوم تا هفتم هجری قمری حکایت دارد که مهم‌ترین عامل آن، گسترش سریع بازارهای داخلی و دادوستد خارجی است (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۶). رونق اقتصاد بازار به تدریج مناسبات پولی را به عرصه زندگی اقتصادی روستاها کشانید و به ویژه در روستاهای نزدیک به شهرهای بزرگ، خرید و فروش محصولات کشاورزی و ارائه آن در بازار شهری به افزایش روابط شهر و روستا انجامید (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

در این برهه زمانی، به منظور فهم و تبیین نوع و میزان روابط متقابل «شهرک یا مدینه» خان‌لنجان در سطح خرد و با «قریه‌های» پیرامونی خود و در عین حال با «قصبه» یا پایتخت ایالتی اصفهان، می‌توان از الگوی «شبکه شهری» یا «منطقه شهری» که با شهرهای ایران دوران اسلامی انطباق بیشتری دارد، استفاده نمود. «شبکه شهری» در حقیقت آرایشی است از روابط میان استقرارهای خرد و کلان که در یک فضای معین و در ارتباط باهم از طریق تحرک‌های جمعیتی، جریان کالا، افکار، جمعیت و عرضه خدمات گسترده و سازمان می‌یافتند و این مناسبات به عنوان نیروی حیاتی و محرک شبکه شهری آن را پویا می‌ساخت؛ «شبکه شهری» در اصل بدین معناست که هیچ شهری به صورت منفرد و بدون روابط متقابل با دیگر شهرها و سکونتگاه‌های انسانی قادر به ادامه حیات نبود (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۴؛ یوسفی‌فر، ۱۳۹۰: ۸۰ و ۱۰۶). بر مبنای این نظریه، شهرک خان‌لنجان، از یک سو با قصبه یهودیه به عنوان شهر محوری و درجه اول شبکه شهری اصفهان مرتبط بود؛ و از سوی دیگر، خود به عنوان مرکز تجاری، نظامی و فرهنگی و اجتماعی رستاق النجان مطرح و روستاها و قرای پیرامونی تحت پوشش آن قرار داشتند. در این زمینه، منابع مکتوب به استقرارهایی هم‌چون بارجان و شهر اشاره دارند که جزو قرای خان‌لنجان بوده و به عنوان کوچک‌ترین بخش شبکه شهری در تبادل کالا، محصولات زراعی و غیره مشارکت داشتند و به طور غیرمستقیم از طریق مدینه خان‌لنجان با قصبه اصفهان ارتباط داشتند (البغدادی، ۱۹۹۲: ۱۵۰؛ حموی، ۱۳۹۷، ج. ۳: ۲۸۹).

آن‌چه در مجموع از داده‌های فوق و با در نظر داشتن مفهوم شبکه شهری می‌توان استنباط نمود، این است که از قرن چهارم هجری قمری به بعد، رونق اقتصاد بازار در شهرهای اصلی مانند اصفهان، به تدریج مناسبات پولی را به عرصه

اقتصاد شهرهای کوچک‌تر و روستاهای پیرامونی آن‌ها کشانید و در این دوره اگرچه «خان لنجان» از نظر سیاسی هم‌چنان تابع قصبه یهودیه در اصفهان بود، اما در عین حال با زیربنای اقتصاد زراعی و تجاری خود، مرکزیت رستاق النجان را تا قبل از تشکیل حکومت ایلخانی عهده‌دار بود و روستاها و نواحی بسیاری تحت پوشش و تابع آن بودند.

نتیجه‌گیری

شهرهای اسلامی یا در محل همان شهرهای باستانی با احیای شهری کهن سر برآورده‌اند و یا به صورت استقرارگاهی جدید و از پیش طراحی شده توسط حکام مسلمان از نو بنیان نهاده شده‌اند. این‌که شهرک خان لنجان، از دوران پیش از اسلام موجودیت داشته است یا خیر، پرسشی است که به سهولت نمی‌توان به آن پاسخ داد و از سکونتگاه خان لنجان به طور مستقیم و صریح نیز، در دوران پیش از اسلام نام برده نشده است؛ اما با در نظر داشتن شواهد تاریخی و نقش مهم رستاق النجان در اصفهان دوره ساسانی و داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده از قلعه کوهستانی آن، احتمال شکل‌گیری آن، پیش از دوران اسلامی چندان دور از ذهن نیست.

از برآیند و تطبیق داده‌های تاریخی، باستان‌شناختی و جغرافیایی می‌توان چنین استنباط نمود که برخلاف عقیده پژوهشگران پیشین، شهرک خان لنجان در جنوب کوه قلعه‌بزی گسترده شده بود که دسترسی مستقیم آن به منبع دائمی آب رودخانه زاینده‌رود و بهره‌گیری از خاک حاصلخیز رسوبات آن جهت توسعه کشت و زرع آبی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و استمرار سکونت در آن محسوب می‌شوند. هم‌چنین موقعیت مکانی مطلوب این سکونتگاه چه از نظر قرار داشتن در مسیر شاهراه‌های باستانی جنوب و جنوب غرب ایران و چه واقع شدن در مجاورت قلعه‌ای کوهستانی و مرتفع، جایگاهی استراتژیک از بُعد تجاری و دفاعی بدان می‌بخشید که عامل مهمی در انتخاب این استقرار به عنوان مرکز رستاق النجان در فاصله قرون نخست تا هفتم هجری قمری بوده است.

داده‌های ما از این سکونتگاه در سه سده نخستین اسلامی اندک، اما از قرن چهارم به بعد تحت تأثیر تحولات شهرنشینی در جهان اسلام، افزایش یافته و «خان لنجان» به یکی از شهرهای مهم و معتبر اصفهان و حتی جبال تبدیل گردید که وجود عناصر شهری هم‌چون دروازه، بازار و مسجد جامع در کنار حضور طبقه نخبگان مذهبی و علمی، گواهی است بر رشد و بالندگی آن. در این برهه زمانی بر مبنای نظریه «شبکه شهری»، شهرک خان لنجان از نظر اداری و سیاسی تابع و زیرمجموعه قصبه یهودیه به عنوان شهر محوری و درجه اول شبکه شهری اصفهان محسوب می‌گشت؛ و از سوی دیگر، خود به عنوان مرکز تجاری، نظامی و فرهنگی رستاق النجان مطرح و روستاها و قرای پیرامونی تحت پوشش آن قرار داشتند. با این حال کمبود شواهد مادی و باستان‌شناختی، مطالعه و بازسازی جنبه‌های مختلف حیات شهری خان لنجان را با چالش مواجه ساخته است؛ به ویژه آن‌که این استقرار از قرن هفتم تاکنون دچار افول گشت و جزئیات حیات شهری هم‌چون

دروازه، بازار و مسجد جامع از میان رفته‌اند و تنها با اتکای به متون می‌توان به تعمیرم‌هایی کلی رسید.

به دلیل وجود هر دو استقرار «خان‌لنجان» و «فیروزان» در یک زمان واحد، این تصور که هر دو در اصل یک شهر بوده و تنها نام آن‌ها در طول زمان تغییر کرده، صحیح نمی‌باشد و حتی این احتمال مطرح است که استقرار فیروزان تا قبل از دوره ایلخانی، از توابع شهرک خان‌لنجان محسوب می‌شد. در نهایت به نظر می‌رسد علاوه بر تخریب قلعه کوهستانی خان‌لنجان که در کاهش رونق شهر خان‌لنجان نقش داشته است، رشد قریه فیروزان در فاصله ۶ کیلومتری شمال غرب قلعه خان‌لنجان و تبدیل آن به یکی از سه شهر برتر اصفهان در دوره ایلخانی، از عوامل تأثیرگذار در افول شهر خان‌لنجان در قرن هفتم هجری قمری می‌باشد.

پی‌نوشت

۱. رستاق که در واقع، معرب واژه پهلوی «رستاق» و برگرفته از جغرافیای اداری ساسانیان است، واحدی جغرافیایی اخص از استان و کوره بود و هر رستاق، تعدادی شهر و دبه را دربر می‌گرفت (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۸۶: ۴۶). در این زمینه، یاقوت حموی اشاره می‌کند که در زمان وی در بلاد فارس، رستاق به جایی اطلاق می‌شد که در آن کشتزارها و دبه‌ها باشد؛ نه به شهرهایی هم‌چون: بصره و بغداد (یاقوت حموی، ۱۳۹۷، ج. ۱: ۳۷-۳۸).

کتابنامه

- ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۸۳، تاریخ کامل. مترجم: حمیدرضا آژیر، جلد دوازدهم، تهران: نشر اساطیر.
- ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۸۸، تاریخ کامل. مترجم: حمیدرضا آژیر، جلد چهاردهم، تهران: نشر اساطیر.
- ابن خرداد به، عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۰۶ هـ.ق. / ۱۸۸۹ م.، مسالک و الممالک. تصحیح: دخویه، لیدن: بریل.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۴۰۸ هـ.ق.، الاعلاق النفیسه. بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۳۶۵، الاعلاق النفیسه. مترجم: حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن حوقل، ابوالقاسم، ۱۳۴۵، صورة الارض. مترجم: جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۱۳۷۶، تجارب الامم. ترجمه علینقی منزوی، تهران: توس.
- ابونعیم، احمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ هـ.ق.، ذکر اخبار اصبهان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابونعیم، احمد بن عبدالله، ۱۳۷۷، ذکر اخبار اصفهان. مترجم: نورالله کسائی، تهران: انتشارات سروش.
- اشرف، احمد، ۱۳۵۳، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوران اسلامی». نامه علوم اجتماعی، شماره ۴، صص: ۴۹-۷.

- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۳۴۰، مسالک و الممالک. به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن، ۱۳۴۰ ه.ق.، تاریخ سنی ملوک الأرض و الأئبیاء. برلین: مطبعة کویانی.
- افشار، ایرج، ۱۳۵۵، المختارات من الرسائل. به کوشش: غلامرضا طاهر، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- افضل الملک، میرزا غلامحسین، ۱۳۸۰، سفرنامه اصفهان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آوی، حسین بن محمد، ۱۳۸۵، ترجمه محاسن اصفهان. به کوشش: عباس اقبال آشتیانی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- البغدادی، صیفی الدین، ۱۹۹۲، مرصد الاطلاع. جلد اول، تحقیق و تعلیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۶۷، فتوح البلدان. مترجم: دکتر محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- بیگلری، فریدون؛ مشکور، مرجان؛ شیدرنگ، سونیا؛ جاوری، محسن؛ یزدی، مهدی؛ تنگبرگ، مارگارتا؛ بحرالعلومی شاپورآبادی، فرانک؛ درویش، جمشید؛ و طاهری، کمال؛ ۱۳۹۳، «قلعه بزی، شواهدی جدید از استقرارهای اواخر دوره پارینه سنگی میانی در حوضه زاینده رود». پژوهش های باستان شناسی ایران، صص: ۲۶-۷
- جعفری زند، علیرضا، ۱۳۸۱، اصفهان پیش از اسلام. تهران: انتشارات آن.
- حدود العالم من الشرق الی المغرب، ۱۳۷۲، مؤلف ناشناس، مترجم: میرحسین شاه، تهران: دانشگاه الزهراء.
- حسینی ابری، حسن، ۱۳۷۹، زاینده رود از سرچشمه تا مرداب. اصفهان: گل ها.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۳۹۷ ه.ق.، معجم البلدان. بیروت: دارصادر.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۷، نقشه توپوگرافی مبارکه (۵۰۰:۱). کد نقشه: ۶۳۵۴، برگ ۴.
- سرفراز، علی اکبر، ۱۳۴۶، «گزارش بررسی لنجان اصفهان». مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی، کد ۲۳۶.
- شفقی، سیروس، ۱۳۸۱، جغرافیای اصفهان. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۵۵، تاریخ ادبیات ایران. تلخیص: محمد ترابی، تهران: نشر فردوس.
- قبادیانی، ناصر خسرو، ۱۳۸۴، سفرنامه ناصر خسرو. تهران: انتشارات اساطیر.
- کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۸۶، به کوشش: بهرام فره وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمی، محمد، ۱۳۴۹، «زمین شناسی فیزیکی زاینده رود (از مبارکه تا ورنامخواست)». پایان نامه کارشناسی، دانشگاه اصفهان (منتشر نشده).

- کریمی، اسماعیل، ۱۳۸۲، مبارکه در گذرگاه تاریخ. قم: ام‌ابیه‌ها.
- کمالی‌زاد، ژاله؛ محمودآبادی، سیداصغر؛ و رضائی، احمد، ۱۳۹۰، «بررسی تاریخی و باستان‌شناختی قلعه خان‌لنجان (قلعه‌بزی) اصفهان». مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی، شماره ۲، صص: ۶۳-۷۴.
- کمالی‌زاد، ژاله، ۱۳۹۷، رستاق لنجان اصفهان: درآمدی بر تحولات زیست‌محیطی و معیشتی منطقه لنجان در دوران اسلامی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- گرابار، آگ، ۱۳۹۰، شهر در جهان اسلام. مترجم: مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: بصیرت.
- لسترنج، گای، ۱۳۷۷، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. مترجم: محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مافروخی، مفضل بن سعد، ۱۳۵۲، محاسن اصفهان. تصحیح: سید جلال‌الدین الحسینی الطهرانی، تهران: اقبال.
- مستوفی، حمدا، ۱۳۳۶، بخش نخست از مقاله سوم نزهة القلوب. به کوشش: محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- مقدسی، ابی‌عبدالله، ۱۹۰۶، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. بیروت: دارصادر.
- میناسیان، کارو اون، ۱۳۸۷، شاه دژ ارگ بلند نام اسماعیلی. ترجمه ابوالقاسم سزّی، تهران: اساطیر.
- همایی، جلال‌الدین، ۱۳۹۵، تاریخ اصفهان: حوادث و وقایع و حکام و سلاطین اصفهان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- یوسفی‌فر، شهرام، ۱۳۹۰، شهر و روستا در سده‌های تاریخ میانه ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Abu Nuaym, K., 1990, *Akhbar Isfahan*. Beirut, (In Arabic).
- Afashar, I., 1976, *Al-Mokhtarat men-al Rasael*. Tehran (In Persian).
- Afzal Al-Molk, G., 2001, *Safar-nāma-ye Esfahān*. Tehran (In Persian).
- Ashraf, A., 1974, "Characteristics of Urbanization in Iran, Islamic period". *Sociological Studies*, No. 4, Pp: 7-49 (in Persian).
- Āwi, H., 2006, *Tarjama-ye mahāsen-e Esfahān*. Isfahan (In Persian).
- Biglari, F.; Mashkor, M.; Shidrang, S., et al., (2014). "Qale Bozi: New evidence from Late Middle Paleolithic in the Zayandeh rud River Basin". *Iranian archaeological researches Journal*, Pp: 26-7 (In Persian).
- Grabar, O., 2011, *City in the Islamic world*. Tehran (In Persian).
- Ḥamza Esfahāni, H., 1922, *Tārīkh sinī mulūk al-arḍ al-anbiyā*. Berlin (In Arabic).
- Homaei, J., 2016, *History of Isfahan: Events and rulers and sultans of Isfahan*. Tehran, (In Persian)
- Hosseini Abari, H., 2000, *Zayandeh Rud, from the source to Swamp, Isfahān*. 332 Pp (In Persian).

- Ibn al-Athir, A., 2004, *The complete history*. Vol. 12 & 14, Tehran, Asatir publication (In Persian).
- Ibn Hawqal, A., 1967, *Kitāb ṣūrat al-ard*. Tehran, (In Persian).
- Ibn Khordazbeh, A., 1889, *Ketāb al-masālek*. Leiden, Brill, (In Arabic).
- Ibn Miskawayh, A., 1997, *The Taja-rib Al-umam*. Tehran, (In Persian).
- Ibn Roṣṭa, A., 1988, *Ketāb al-a'lāq al-naḥṣa*. Beirut, (In Arabic).
- Iṣṭakhri, A., 1961, *Masalek al-Mamalek*. Tehran, (In Persian).
- Jafarizand, A., 2002, *Isfahan before Islam*. Tehran (In Persian).
- Kamalizad, J., 2019, *Alanjān roṣṭāq of Isfahān: An introduction to the environment and subsistence evolution in Lanjān region during the Islamic period*. Isfahān studies center's publication. 237 Pp(In Persian).
- Kamalizad, J.; Mahmud Abadi, S. A. & Rezaii, A., 2012, "Khan Lenjan castle of Iafahan: An Archaeological Survey". *Maremat-e Asar & Baft-haye Tarikhi-Farhangi*. No. 1(2), Pp:63-74 (in Persian)
- Karimi, I., 2003, *Mobarakeh in the history*. Qom (In Persian).
- Karimi, M., 1970, *Physical geology of Zayandeh rud from Mobarakeh to Varnamkhašt* (Bachelor Thesis, University of Isfahan). (in Persian).
- *Karname-ye Ardeshir-e Babakan*, (2007). Tehran (In persian).
- Kennedy, H., 2010, "How to found an Islamic city". Goodson, C. and Lester, A. E. and Symes, C., (eds.), *Cities, Texts and Social Networks 400-1500*. Aldershot: Ashgate, Pp: 45-63.
- Māfarruḳi, M., 1933, *Ketāb maḥāsen Esfahān*. Tehran, (In Arabic).
- Minasian, C., 2008, *Shah Dezh: The famous citadel of Ismailis*. Tehran. (In Persian)
- Muṣṭawfi Qazvini, H., 1957, *Nuzhat al-qulub*. Tehran (In persian).
- Nasir-i Khusraw, 2005, *Nasir-i Khusraw's Book of travels (Safarnamah)*. Tehran (In Persian).
- Safa, Z., 1976, *The History of Literature in Iran*. Tehran, (In Persian).
- Sarfaraz, A., 1967, *Archaeological survey report of Lanjan, Documentation center of cultural heritage*. Tehran, (In Persian).
- Shafaqi, S., 2002, *The Geography of Isfahan*. Isfahan, (In Persian).
- Stern, S. M.; Beazley, E. & Dobson, A., 1971, "The Fortress of Khān Lanjān". *Iran*, No. 9, Pp: 45-57.
- Yousefi Far, Sh., 2011, *City and village in the Middle Ages of Iran*. Tehran, (In Persian).